

بحران اقتصادی ۲۰۲۰ - تندیچهای اساسی پیش رو

صفحه ۳

فاتح شیخ

وقتی چاقو دسته خود را می برد!

محاكمه چند دزد دسته چندم

صفحه ۴

آذر ماجدی

سرمایه داری قبل و بعد از پاندمی کووید ۱۹

صفحه ۵

نادر شریفی



اعتراضات کارگری

مارکسیسم انقلابی، کمونیسم کارگری و منصور حکمت

(به مناسبت روز حکمت - بخش اول - گفتگو با رحمان حسین زاده)

۳ ژوئن ۲۰۲۰ - ۱۴ خرداد ۱۳۹۹

گرامیداشت منصور حکمت

رهنبر جنبش کمونیسم کارگری

۱۹۵۱-۲۰۰۲



انسان سوسیالیسم انسان است.

چه در ظرفیت فردی و چه در ظرفیت جمعی.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

مارکسیسم و حکمت امروز



۵۴۴

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-Communist Party of Iran - Hekmatist

۲ خرداد ۱۳۹۹ - ۲۲ مه ۲۰۲۰

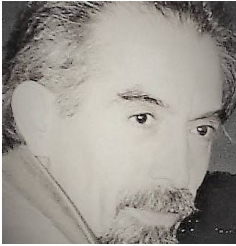
وحشت خامنه ای از

رشد مارکسیسم

روز ۲۸ اردیبهشت، علی خامنه ای با نمایندگان دانشجویان سرکوبگر بسیجی جلسه ویدئویی داشت. خامنه ای در این روضه خوانی سالیانه، که هر سال از سال پیش بیمایه تر و کسل کننده تر است، توصیه هائی کرد از جمله به مارکسیستها حمله کرد و راجع به تحرک آنها در دانشگاهها هشدار داد. حالا کسی جواب سلام دانشجوی بسیجی در دانشگاه را نمیدهد، او انتظار دارد این حضرات پرچمدار "مطالبه گری و آرمانخواهی" باشند تا دانشجویان به سمت عقاید سوسیالیستی و مارکسیسم نروند. "مطالبه گری" اسم رمز قانونگرایی و "آرمانخواهی" مد نظر خامنه ای اتویی "تمدن اسلامی" است.

جوانان حزب اللهی؛ دولت حزب اللهی، "حزب الله" کلمه کلیدی برای خامنه ای است. این حزب الله نماد توحش اسلامی و اسلام سیاسی در منطقه است که در انقلاب ایران با شعار "حزب فقط حزب الله" و قمه زدن و ترور و کشتار رونمایی شد. این حزب الله بیشتر از ترامپ و نتانیاهو و فاشیستهای متفرقه ضد کمونیست است و اساساً خمینی از جمله روی همین کارت ضد کمونیسم توانست در ایران به قدرت برسد. وقتی خامنه ای علیه مارکسیسم و کمونیسم مزخرف صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



امپریالیسم کو بیڈن کمونیسٹ در ایران بود، نمیگوید سازمانهای کمونستی را "منحله" و اعضایشان را "ملحد" اعلام کردیم و تا توانستیم خون ریختیم، خیلی چیزها نمیگوید! حالا بعد از چهار دهه آمده و تازه از خطر رشد مارکسیسم و سوسیالیست ها در دانشگاه به ریچ کیدزهای بسیجی و حزب الهی توصیه مطالبه گری میکند و حواسش نیست که همین دانشجویان هم به ریش آغا میخندند!

آرمانشهر "تمدن اسلامی" خامنه ای را مردم ایران و منطقه با ترور و تاجر تجربه کرده اند. او بسان کسی میماند که از فرط گجی طرف اشتباه تاریخ ایستاده است اما در حقیقت از منافع طبقه بورژوا دفاع میکند. اگر مارکسیسم و انتقاد سوسیالیستی کارگر به نظم موجود با چهار حرف مفت بی بی سی و خامنه ای و چند فاشیست چماقدار حاشیه ای میشد، تا حالا دستگاه عریض و طویل و کهنه کار آنتی کمونیسٹ دول غربی از "دردسر" کمونیسٹ خلاص شده بود. خامنه ای علیرغم تظاهر به تجاہل به زبان آخوندی اعلام خطر میکند تا هم به دوستان جهانی پیام داده باشد و هم باندهای حاکمیت را حول پروژه ضدیت با مبارزه رو به رشد کارگر و افق سوسیالیستی تحت عنوان "دولت جوان حزب الهی" بسیج کند.

در ایران جدال سوسیالیسم با سرمایه داری در قدم اول باید حکومت خامنه ای ها را به گور بسپارد. خامنه ای دارد راجع به گورکنان طبقه اش هشدار میدهد.

سردبیر.

۲۲ مه ۲۰۲۰



وحشت خامنه ای

از رشد مارکسیسم ...

میگوید، نه فقط در این زمینه با کلیه تریبونهای دولتی و غیر دولتی ضد کمونیسٹ در دنیا همصدا است بلکه در این دوره مشخص بحرانی، به "دژمنان" میگوید دست از سر کچل ما بردارید و گرنه با "خطر" کمونیسٹ روبرو میشوید! دارد میگوید هیچ دولت بورژوائی مانند جمهوری اسلامی نمیتواند و نتوانسته با سبعیت ویژه کمونیسٹ و جنبش سوسیالیستی کارگران را در هم بکوبد. خامنه ای دارد برای حکومتش بازار گرمی میکند!

اما واقعا یک آخوند مرتجع را چه به سوالات و تاریخ و مباحث مارکسیستی آنها در دوره ای که در دنیا مارکس و نقد ضد کاپیتالیستی در اوج محبوبیت هستند؟ جمهوری اسلامی و مراکز فکری و فرهنگی اش که یارای تقابل فکری با مارکسیست ها را ندارند، بزرگترهاشون جلالالدین فارسی و سروش و بهشتی بودند که مسخره خاص و عام شدند، روزنامه های اصلاح طلب و بولتن های امنیتی هم که فقط سناریو سرهم میکنند و گرای امنیتی میدهند و حرفی برای گفتن ندارند. چپهای حکومتی هم شبیه خود خامنه ای "محور مقاومتی" و شبه توده ایست و پرو پوتین اند. خود جناب خامنه ای از ترس ترامپ به روسیه و چین پناه آورده که یکی سابقه سرمایه داری دولتی دارد و دیگری هنوز تابلوی "حزب کمونیسٹ" را بر سردر کشور کارگر ارزان و کار خاموش آویزان کرده است. این دیدارها مثل شرفیابی رعایا در دربار ملوکانه و شاهانه و تحمل شنیدن مشتکی ترهات با هدف دریافت روزی است. دانشگاه تحت سلطه دانشجویان حزب الهی و ضد کمونیسٹ که علیه مارکسیست ها سنگربندی کرده اند، جدید نیست. بجز در دوره های کوتاهی، تاریخ دهه های متمادی در آن مملکت همین بوده است.

خامنه ای میگوید "البته جریان چپ مارکسیستی که همیشه دنبال این مسائل بوده، امروز در دنیا آبرویی ندارد و از فقر اندیشه ورزی، فقر سیاسی و فقر نیروی میدانی کارآمد در رنج است. تمامی روسا و بزرگان نشان رفتند تسلیم آمریکا شدند، تسلیم رژیم صهیونیستی شدند، بنابراین هم فقر سیاسی دارند، هم فقر میدانی دارند، بنابراین اینها کارهای نیستند. لکن بهر حال همیشه کسانی هستند که از شعارهای خوب و شعارهای درست بخواهند سواستفاده کنند، شما چنانچه این شعارها را رها کنید، ممکن است آنها بگیرند!"

خب آدمی که مشاعرش را از دست نداده باشد در باره "هیچ" و راجی نمیکند. خامنه ای البته نمیگوید کرور کرور از کادرهای چپ کشتیم، زیر شکنجه و بدون محاکمه کشتیم، اصلا هولاکاست اسلامی ضد چپ را امام جان دستور داد و ما اجرا کردیم، نمیگوید جنبش اسلامی بدون حضور و همکاری همان "امپریالیسم و صهیونیسم" نمیتوانست در ایران سرپا بماند، نمیگوید اولین تعهد همین حکومت و خمینی به

مرگ بر جمهوری اسلامی!



بحران اقتصادی ۲۰۲۰ - تندپچه‌های اساسی پیش رو

فاتح شیخ

کار از انکار و یا پنهانکاری و به حاشیه سپاری بحران جاری اقتصاد جهان گذشته است.

در همین روزها: اشاره دیوید مالپس رئیس بانک جهانی به افت اقتصاد جهان و افزایش شصت میلیونی جمعیت زیر فقر (۱۹ مه)، تخمین جروم پاول رئیس فدرال رزرو آمریکا درباره ادامه بحران اقتصاد آمریکا تا اواخر ۲۰۲۱ در کنار عوامفریبی غریب او که: "نظیر بحران دهه ۱۹۳۰ سالها طول نخواهد کشید!" (۱۷ مه)، برآورد پائولو جنتیلونی کمیسر اقتصادی اتحادیه اروپا از بحران اقتصادی اتحادیه اروپا همچون: "شدیدترین رکود اقتصادی تاریخ" اتحادیه (۶ مه)، توافق آلمان و فرانسه بر اختصاص پانصد بلیون یورو به ترمیم پیامدهای بحران اقتصادی اتحادیه اروپا (۱۸ مه)، اجندای اقتصادی کنگره در حال برگزاری دولت چین (از ۲۱ مه) و شواهد دیگری از حال و روز خراب اقتصادهای دیگر جهان از جمله اقتصاد رو به سقوط ایران، گواهی میدهند که سردمداران سرمایه جهان به وجود بحران اقتصادی توأم با پاندمی کورونا اذعان دارند و همزمان در مورد آمادگی مقابله با "تندپچه‌های پیش رو" هشدار میدهند.

امواج اقیانوس پیمای این بحران هر روز بخشی از پیکره جهانی سرمایه را به لرزه در میآورد. امواج قاره پیمای پاندمی کورونا هم صدها هزار جان را قربانی میگیرد و صدها میلیون روان را به تباهی و پریشانی میکشاند. پابپای دو بحران همزمان، امواج پانیک پراکنی بورژوازی، هر جا به شیوه ای، فاجعه را فاجعه بارتر کرده است. بحرانا مصیبت بارند، بورژوازی با سلطه و سودجویی آنها را مصیبت بارتر میکند. بر آنها مهار نمیزند، از آنها برای راه اندازی مجدد چرخ سودآوری سرمایه بهره برداری میکند، پیامدها را هم بر کرده کارگران و محرومان و شهروندان جامعه میکشد. ضربه سنگین کورونا اقتصاد جهان را از لب پرتگاه بحران به درون بحران انداخت و به همه جهان سرایت داد. بحران اقتصادی هم به سرایت جهانی کورونا میدان داد. کروکودیل کووید-۱۹ بر پشت ازدهای بحران اقتصادی کره زمین را دور زد و اکنون پابپای هم با امواج پی در پی بشریت را میکوبند.

موجی بر موجی میتازد و بشریت را به موقعیت قربانی میاندازد، به جانین حاکم و دشمنان بشر دستاویز میدهد که نقش ناجی بازی کنند. جانی در نقش ناجی! با وقاحتی بیسابقه برایمان تکلیف تعیین میکنند. این میزهای وقاحت را باید به رویشان برگردانیم. در تندپچه‌های اساسی این دوران، بشریت تشنه رهایی میتواند از قربانی بحران به قهرمان دوران بدل گردد. پرچم رهایی سوسیالیستی کارگری را برافرازیم و با بکار انداختن اراده کارگران در پیشاپیش صف محرومان جامعه و انسانهای بیخاسته تشنه رهایی سلطه سیاسی و اقتصادی بورژوازی و نظام بردگی مزدی را براندازیم. طرحی نو برای جامعه انسانی و فرد فرد انسانها دراندازیم، در این مسیر گامهای بلند و استوار برداریم و پی در پی پیش برویم.

دو رشته پاسخ طبقاتی

بحران توأم جاری تندپچه‌های خطیری پیش روی بشریت گذاشته که بیگمان دو طبقه اصلی جامعه - بورژوازی و پرولتاریا - با دو مجموعه پاسخ طبقاتی متضاد به مقابله آنها میروند. تشدید رقابت بخشهای مختلف بورژوازی جهانی یکی از پیامدهای این بحران است که یک مورد بارز آن رشد بیسابقه رقابت و تشدید بیسابقه خصومت میان بورژوازی و دولتهای حاکم در آمریکا و چین است که هم اکنون جلو چشم جهانیان جریان دارد. واضح است که برنده یا بازنده شدن هیچیک از بخشهای رقیب یا متخاصم بورژوازی جهانی کوچکترین سودی به جامعه بشری نمیرساند و دود آن نه دیر بلکه زود به چشم جهانیان خواهد رفت.

هدف مشترک بورژوازی از تشدید رقابت صفوف طبقه سرمایه دار جان به در بردن سرمایه داری از بحران است. اما هدف مشترک چگونه از مسیر رقابت پیش برده میشود؟ تضاد واضح سرمایه داری در این است که سرمایه دائما خودگستر است و یک راه خودگستری سرمایه در دوره بحران این است که سرمایه بزرگتر یا مقتدرتر برود امکانات سرمایه کوچکتر یا متکی به قدرت ضعیفتر را بالا بکشد. (ماهیهای بزرگ ماهیهای کوچک را میبلعد). تضاد بنیادی سرمایه در جهان امروز این است که دریای شنواری آن اقتصاد جهان است حال آنکه رقابت و تخاصم بخشهای مختلف ناگزیر از تونل اقتصادهای کشوری میگذرد و ناگزیر توسط دولتهای حاکم بر قلمروهای کشوری پیش برده میشود. چنین است که رقابتها و تخاصمات میان بخشهای مختلف بورژوازی، بویژه میان قدرتهای بزرگ و جهانی سرمایه میتواند در دوره بحران به جنگهایی در قالبهای گوناگون از محدود و منطقه ای و نیابتی تا بزرگ و جهانی کشانده شود. چنین تندپچه‌هایی را در پرتو تئوری و دیدگاه مارکسی و در همان حال با نگاه لحظه به لحظه کنکرت باید دید و سنجید.

تشدید رقابت میان بخشهای مختلف بورژوازی در این دوران بحران به کنار، بیگمان اصلترین پیامد بحران جاری، تشدید تضاد طبقاتی میان دو طبقه اصلی جامعه بورژوازی و پرولتاریاست. از همان آغاز تا پایان دوران بحران، این جنبه از پیامدهای بحران بیشتر از هر تحول دیگری جای توجه مسئولانه و شایان دخالت فعالانه کمونیستها و فعالان و پیشروان کارگری است.

اگر همه تلاش بورژوازی در دوره بحران حفظ سلطه سرمایه داری و مناسبات استثمارگرانه سرمایه به هر قیمت، حتی هر جا لازم شود به قیمت جنگ افروزیهای محدود و منطقه ای یا فراگیر و جهانی است، برافراشتن پرچم آلترناتیو سوسیالیستی اصلی ترین عرصه مقابله پیشروان رادیکال طبقه کارگر و کمونیست با بحران سرمایه، برای به زیر کشیدن سلطه سرمایه و پایان دادن به مناسبات استثمارگرانه بنا شده بر مالکیت بورژوایی بر وسائل تولید و کار مزدی است.

تنها راه ریشه ای مقابله با بحران سرمایه از میان برداشتن همان مناسبات سرمایه دارانه است که بحران دوره ای و متناوب هر چند



شخصیت مشهور، یکی بشدت محبوب و خوشنام، اسماعیل بخشی و دیگری بشدت منفور و بدنام اسد بیگی شده است. این دزد و شیاد ماه ها از پرداخت حقوق کارگران طرفه می رفت و در همان حال مشغول دزدی و دریافت ارز دولتی برای نیشکر هفت تپه و فروش آن در بازار آزاد بود. البته نباید فراموش شود که اسد بیگی از نور چشمی های حکومتی و از جمله آقا زاده هاست.

پرونده دیگری که در همین هفته رسانه ای شد دستگیری شهروز سخنوری معروف به آکس سر دسته باند قاچاق دختران ایرانی به کشورهای همجوار و فروش آنها در بازار سکس است. این جنایتکار هر ماه نزدیک ۴۰۰ میلیون تومان از این شغل شریف درآمد داشته است. در بازجویی وی اسامی چندین مقام بالای نظام و سپاه را افشاء نموده است.

اینها فقط سه پرونده در سه چهار روز اخیر است. ارقام نجومی آن را در نظر بگیرید. تمام این پرونده ها مربوط به مقامات رژیم است و اینها تازه مشتی از خروار است. با نگاه به همین سه پرونده ظرف سه روز می توان به یک تخمین از ابعاد نجومی و غیرقابل تصور دزدی و جنایت ارازل و اوباش نظام دست یافت. این دزدان سرگردنه ظرف چهل و یک سال اخیر چه میزان از ثروت مردم را به جیب زده اند. چگونه ۸۰ درصد یک جامعه ۸۰ میلیونی را به خاک سیاه نشانده اند و روزگارشان را با فقر و فلاکت، سرکوب و جنایت، اعتیاد و فحشاء سیاه کرده اند.

اما چه شده است که به یکباره حکومت بفر "مفاسد اقتصادی" افتاده است و قسم می خورد که "هیچگونه کوتاهی نخواهد کرد؟" نه این دزدی ها پدیده جدیدی است و نه دست داشتن مقامات بالای حکومتی در آنها. پاسخ به این سوال را نه در حکومت، بلکه در جبهه مقابل، در جامعه باید جستجو کرد. خیزش عظیم مردم، اعتراضات وسیع کارگری و توده ای، کوتاه نیامدن فعالین کارگری و اجتماعی علیرغم دستگیری های گسترده و شکنجه و احکام زندان و ادامه اعتراضات علیرغم کشتار وسیع و وحشیانه آبانامه دلیل این عقب نشینی رژیم است. جمهوری اسلامی مجبور شده است تا عناصر دست چندم دزدان را دستگیر و محاکمه کند. هنوز سر دسته دزدان، خامنه ای و خانواده اش، و سایر گردن کلفت های سپاه و دولت در قدرت لم داده اند. عین دستگیری و محاکمه باندهای مافیایی در آمریکا است. دست چندی ها را می گیرند و محاکمه و زندانی می کنند و رئیس روسا با مشارکت مقامات بالای حکومتی راست راست راه می روند. به این معنا آسمان همه جا یک رنگ است.

اما جالب اینجاست که این پرونده های فساد اقتصادی نتوانسته تکانی در جامعه ایجاد کند. یکی از این نوع محاکمات ده سال پیش سر و صدای بسیاری براه می انداخت اما در شرایط حاضر آب از آب تکان نخورده است. بقول ضرب المثل انگلیسی این "زیادی کم و زیادی دیر است!" مردم به کمتر از سرنگونی رژیم رضایت نمی دهند. زیرا هیچیک از این محاکمات ذره ای تغییر در وضعیت واقعی ایجاد نمی کند. ذره ای فقر و فلاکت را کاهش نمی دهد؛ ذره ای سرکوب را کم نمی کند؛ ذره ای زندگی را آسوده تر نمی سازد. کار از این کارها گذشته است. هزار پرونده دزدی دیگر هم تشکیل دهند مردم از کنارش عبور می کنند و آنرا صرفا سند دیگری برای ضرورت سرنگونی رژیم در

وقتی چاقو دسته خود را می برد!

محاکمه چند دزد دسته چندم

آذر ماجدی

اگر دو صفت بتوان یافت که به بهترین شکلی رژیم اسلامی را توضیح می دهد، دزد و جنایتکار است. آیا دزد و جنایتکار نامیدن جمهوری اسلامی توسل به صفات پوپولیستی برای سرمایه داری خواندن این نظام است؟ بهیچوجه. سرمایه داری در بهترین شکل و با حساب کتاب ترین فرم نظامی است که با استثمار (لفظ علمی چاپیدن) طبقه کارگر، در یک سو ثروت های کلان و در سویی دیگر فقر و بدبختی انباشت می کند. این قانونمندی سرمایه داری است. اما در کشورهای مختلف، با توجه به نوع دولت، گرایش سیاسی و ایدئولوژیک معین تر و سابقه قدرت یابی آن میزان فساد، دزدی، سرکوب و جنایت تفاوت می کند. بطور نمونه میزان فساد و اختلاس در کشورهای تحت حاکمیت دموکراسی در اروپا با دولت دیکتاتوری در چین یا دولت های دیکتاتوری با سیاست و ایدئولوژی دست راستی فاشیستی مانند برزیل، فیلیپین یا ایران متفاوت است.

در ایران یک مشت دزد سر گردنه و چاقوکش و شکنجه گر بر کشور حکم می رانند. میزان دزدی و فساد در جامعه غیرقابل محاسبه و نجومی است. فرار کلان دزدها به خارج، به کانادا، مالزی، اندونزی، استرالیا و غیره یک رویداد معمولی است. طی دو سال گذشته بدنال خیزش توده ای و اوجگیری مبارزات طبقه کارگر فرارها پر سر و صداتر و علنی شد. بعضا این فراریان در مرزها یا در کشورهای مرزی شناسایی و دستگیر شدند. چه بلایی سر دلارها و شمش های طلایی که به تاراج برده بودند، آمده، کس نمی داند. اخبار از چندین نمونه بازداشت و مصادره کامیونهای پر از مواد مخدر که توسط سپاه به خارج کشور قاچاق شده اند، حکایت می کند.

اما مدتیست که اخباری مبنی بر محاکمه تعدادی دزد و خاطی فساد اقتصادی شایع شده است. طی همین هفته گذشته خبر حکم اعدام برای یک زن و شوهر بنام های نجوا لاشیدایی و وحید بهزادی بجرم "اخلال کلان در بازار ارز و پیش خرید ۶۷۰۰ خودرو، ۲۴ هزار و ۷۰۰ سکه و ۱۰۰ کیلو طلا" صادر شده است. در رابطه با همین پرونده دو تن از مدیریت سابق و رئیس کل حراست سایپا و همچنین دو تن از نمایندگان مجلس به چند سال حبس محکوم شده اند. اسماعیلی سخنگوی قوه قضاییه اعلام کرده "در مبارزه با مفاسد اقتصادی به هیچ عنوان کوتاهی نمی کنیم!"

در پرونده فساد اقتصادی دیگری امید اسد بیگی، مهرزاد رستمی و مجتبی کمال زاده بجرم قاچاق ارز و معامله غیر قانونی ارز تحت محاکمه هستند. فقط یک جرم آنها فروش ۶۰۰ میلیون دلار ارز دولتی در بازار آزاد و به نرخ آزاد است. اینها همچنین متهم اند که با پرداخت رشوه و سند سازی قصد فرار از اتهامات وارده را داشته اند. اسد بیگی به یمن مبارزات وسیع و قهرمانانه کارگران نیشکر هفت تپه شخص مشهوری شده است. در یکی دو سال اخیر، هفت تپه بویژه صاحب دو

سرمایه داری قبل و بعد از پاندمی کووید ۱۹

نادر شریفی

پس از فروپاشی بلوک شرق، سرمایه داری سرمستانه از "پبروزی" بر "سوسیالیسم" و پایان حق طلبی سخن میگفت. در "فراخ" سوسیالیسم و پایان حق زندگی، حمله به سطح معیشت مزدبگیران جهان و از جمله کشورهای باصطلاح "جهان اول" هم سرعت بخشیده شد. تاریخ نوعی منفعت طلبی ابدی خوانده شد و قوانین کاری حتی در جوامع پیشرفته صنعتی یکی پس از دیگری بنفع سرمایه داران تغییر کردند، حداقل دستمزدها عملاً ملغی، حقوق بیکاری یا منهدم و یا بی تاثیر شدند. مزایای شغلی به همراه سرود "پایان سوسیالیسم" دفن شدند. دولت سوسیال دموکرات شرودر از جمله با طرح هارتس ۴ و بخششهای مالیاتی سخاوتمندانه به طبقه سرمایه دار از طرفی و با حمله همه جانبه به دستاوردهای طبقه کارگر، به دولت‌مردان و طرفداران سرمایه عنان گسیخته اروپایی و روسی راه نشان داد. دولتهای اوپائی خود را بازتعریف کردند، رفاه و بیمه های بیکاری و بیماری را یکی بعد از دیگری نابود کردند، در ادامه سیاست ریاضت کشی مزدبگیران و بی بندوباری سرمایه، بیمارستانها، خطوط راه آهن، وزارتخانه های پست و حتی اتوبانهای جامعه را به بخش خصوصی واگذار کردند. اینها نمونه هایی از حملات بورژوازی به مزدبگیران در کشورهای اروپای غربی و سراسر جهان است.

"دولتهای رفاه" نه در نقش دروغین "حافظان و تقسیم کنندگان" عادلانه ثروت اجتماعی بین شهروندان جامعه، بلکه نقش واقعی خود در حفظ سرمایه و سرمایه داری را ایفا کردند. دولتهای سوسیال دموکرات در ادامه و تحت فشار بورژوازی جهانی، شرکتیهای "فراملیتی" مثل "بلاک راک"، انستیتوهای مالی جهانی، بورسهای جهانی و صندوق جهانی پول "مجبور" شدند، برای حفظ "رقابت" عنان گسیخته سرمایه، یکی پس از دیگری به اردوی بازار آزاد پیوسته و با سوسیال دموکراسی از جنس کلاسیک اش برای همیشه خداحافظی کنند. بنابراین وقتی به تحولات جوامع اروپایی بخصوص پس از فروپاشی بلوک شرق نگاهی میکنیم، متوجه تغییرات منفی عظیمی در مبارزات سندیکالیستی و اتحادیه ای طی یکصد و پنجاه سال گذشته در اروپا و جهان می شویم. بعنوان مثال مبارزه برای ۳۶ ساعت کار در هفته تبدیل به مقاومت برای ۴۰-۵۰ ساعت کار اجباری بازای حتی مزد کمتر شد. با ملحق کردن کشورهای "بلوک شرق" به اتحادیه اروپا، عملاً حمله به سطح معیشت در کل اروپا تشدید شد و بویژه با تغییرات در قوانین کار و قراردادهای حداقل دستمزد مزدبگیران در اروپا عموماً سقوط کرد. برای خواننده هوشمند ما پیدا کردن دهها بل صدها نمونه از این دست، کار چندان دشواری نیست.

با برچیده شدن دیوار برلین، حکومتیهای سرمایه داری دولتی یکی پس از دیگری منهدم و جای آنان را اغلب دولتهای راست ناسیونالیست و نیمه فاشیستی افراطی گرفتند. میلیونها کارگر، کارشان را از دست داده و ملحق به صف کارجویان شدند. نتیجتاً بورژوازی آگاهانه مزدبگیران جهان را در غیاب حداقل اتحادیه های کارگری در دفاع از حقوق اولیه

خود وارد بازار رقابت کردند! هرکه بیشتر کار کند، به کمتر و کمتر رضایت دهد، انتخاب میشود. در اروپای غربی رقابت در شاخه های صنعتی که احتیاج کمتری به ارتباطات و تخصص داشت، به رقابتهای غیرکارگری دامن زده شد. مزدبگیریانی بخاطر اینکه امکان "رقابت" در ازای مزد ساعتی ۲ تا ۳ یورو در ساعت را نداشتند،

شغل خود را یکی پس از دیگری از دست دادند و جای آنان را کارگران خاموش و بی حقوق اغلب از اروپای شرقی گرفتند. این بخش از کارگران روزمزد بخاطر موانع زبانی و عدم "حق اقامت" حتی نمی توانستند به اتحادیه کارگری محل برای احقاق حقوق اولیه خود بپیوندند. از جمله میتوان به این دسته از مزدبگیران در صنایع ساختمان سازی، کشاورزی، راه و ترابری و به صنعت دامداری و تهیه گوشت اشاره کرد. وضعیت این مزدبگیران در کنار عدم دریافت هرگونه مزایا و امکانات رفاهی، از جمله زندگی چند ده نفره در خانه های ۴۰ تا ۵۰ متری بشدت وخیم گردید. کارگران خاموش بنابراین مجبور شدند با حقوقی روزانه سی تا پنجاه یورو دهها ساعت کار کنند و برای تامین مالی خانواده های خود حتی از اولیه ترین مایحتاج خود برای خورد و خوراک و بهداشت نیز صرف نظر کنند. دور مسلسل وار نزول سطح دستمزد با خود در کنار فاصله گرفتن هرچه بیشتر بین دو طبقه اجتماعی، فقر، بی حقوقی و از دست دادن هرگونه امکانات از جمله بهداشتی و پزشکی را نیز تشدید کرد.

سرمایه داری همواره بر بردگی استوار بوده است، اما دوره گذشته در غیاب "سوسیالیسم"، براسستی "بردگی مدرن" بود. وضعیت در کشورهای افریقائی، آسیائی و آمریکای لاتین بمراتب وخیم تر بود. آنوقت بسادگی میتوان متوجه شد که براسستی "پایان سوسیالیسم" واقعا چه کابوسی است و "دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل شده است!"

اما شیوع پاندمی کرونا ادامه این وضعیت را برای سرمایه داری هم غیرممکن کرده است. در آلمان تنها ۳ هفته از آغاز "راه اندازی" اقتصاد نمیگذرد که حکومت فدرال دیروز مجبور شد قوانین جدیدی برای بالابردن سطح دستمزد کارگران در صنعت گوشت در دستور کار خود قرار دهد. (ناگفته نماند که همین با مقاومت بورژوازی روبرو شده است!) اغلب کارگران این صنعت در آلمان کارگران روزمزد از کشورهای اروپای شرقی می باشند که امکان داشتن حتی یک اتاق کوچک چند متری برای استراحت پس از کار را ندارند. ۱۰ تا ۱۵ کارگر روزمزد در این صنعت مجبورند در یک محیط ۳۰ تا ۴۰ متری بدون بهداشت زندگی کنند. نتیجتاً بلافاصله روشن شد که تعداد بسیار زیادی از این مزدبگیران مبتلا به ویروس کرونا می باشند و با بازگشت به کار، بلافاصله محیط پیرامونی، همکاران، ابزار کاری و با آن گوشت حیواناتی که برای فروش در کل جامعه در نظر گرفته شده بودند را هم آغشته به ویروس کووید ۱۹ کرده اند. برای همین دولت آلمان مجبور شد که سریعاً به وضعیت موجود پایان دهد. آگاهان همگی متفق النظرند که این آغاز آن دست از اقداماتی است که تنها در این شاخه از صنعت نمی تواند باقی بماند، کارگران روزمزد در صنعت کشاورزی، ساختمان سازی تا خدماتی و پزشکی و بهداشتی و ترابری و همه و

بحران اقتصادی ۲۰۲۰

تندیجهای اساسی پیش رو ...

سال، نتیجه محتوم و ذاتی آن است. این تلاش اصلی، بیگمان قطنبنمای همه تلاشهای دیگر طبقه کارگر برای مصون داشتن معیشت و شرایط مبارزات روزانه خود از تعرضات بورژوازی اعم از دولتها و بخش خصوصی است. مبارزه برای رفم و اصلاحات رو به پیش و بهبود دهنده و یا مبارزه برای حفظ دستاوردهای کسب شده قبلی، علاوه بر هدف معین خود آن مبارزه، در همان حال تلاشی برای گردآوری نیروی طبقه و سازماندهی آن در راه تحقق انقلاب سوسیالیستی است. در قلمرو جغرافیای سیاسی ایران سرنگونی رژیم اسلامی از ملزومات اولیه تحقق این هدف است. سلطه سرمایه در ایران یکی از ضعیف ترین حلقه های سرمایه داری جهان است. نبرد بازو به بازوی کمونیستها و جنبش رادیکال کارگری در ایران برای برچیدن نظام سرمایه داری در این ضعیف ترین حلقه کاپیتالیسم گلوبال، بیگمان در شمار حساسترین و اساسی ترین تندیجهای پیش روی اردوی کارگری و کمونیستی ایران و جهان است.

(جوانب و زوایای بیشتر این مبحث را در بخش دیگر این نوشته پی خواهیم گرفت)

۲۱ مه ۲۰۲۰ / اول خرداد ۱۳۹۹

سرمایه داری قبل و بعد از پاندمی کووید ۱۹...

همه درگیر جوهر اصلی سرمایه یعنی بالابردن دائمی سود و صرف نظر از حداقل هرگونه امکانات بهداشتی و پزشکی می باشند و پاندمی کووید ۱۹ ثابت کرد که حتی بفرض غلبه بر این ویروس نمی توان به قبل از شیوع ویروس کرونا بازگشت.

نتیجتاً "حفظ وضع موجود"، بازگشت به قبل از شیوع کرونا، پس از کرونا برای هیچ نظام حافظ سرمایه ممکن نیست. نمیتوان حداقل ۳ میلیارد انسان را از داشتن حق صابون و بهداشت محروم کرد، پشت عمارتهای سربه فلک کشیده مخفی شد، داروغه و پاسدار و پلیس خصوصی پشت درها به حفاظت خود گمارد، استراق سمع و کنترل جوامع بشری را جهانی کرد، هر نامه الکترونیکی و هر تولید فکری را سانسور کرد به این خیال که سرمایه و سرمایه داری و سرمایه دار، در "پایان تاریخ" و "پایان سوسیالیسم" بسر میبرد و سرمایه امن است! این دروغی است که دیگر خود اینها هم به یکدیگر نمی توانند بفروشند! خودشان در تک تک سلولهایشان به این نتیجه رسیده اند که حفظ "وضع موجود"، حفظ منفعت طلبی اقلیتی عنان گسیخته با روپوش دموکراسی دیگر ممکن نیست! خودشان فهمیده اند که این جهان با روشهای کنونی و زیر سایه سیاه سرمایه داری قابل حکومت نیست. جهان و جوامع بشری امروز بیش از هر زمانی میدانند که راه دیگری باید انتخاب کنند. باید به حاکمیت و نظام خشن اقلیتی ناچیز بر اکثریتی عظیم پایان داد. جهان پس از پاندمی کرونا، به قبل از شیوع پاندمی کرونا باز نخواهد گشت. اگر سوسیالیسم نتواند افقی باز کند، ما باز هم به عقب خواهیم رفت. لذا بشریت نیازمند سوسیالیسم، فراخوان و امید سوسیالیسم و سازماندهی سوسیالیسم است. *

وقتی چاقو دسته خود را می برد!

محاکمه چند دزد دسته چندم ...

نظر می گیرند. رژیمی که این چنین تا گردن در دزدی و فساد دست و پا می زند قابل اصلاح نیست، باید برود. این آن نتیجه ای است که جامعه از این محاکمات می گیرد.

محاکمه اسد بیگی بویژه تلاشی برای آرام کردن طبقه کارگر علی العموم و کارگران هفت تپه علی الخصوص است. مبارزه کارگران هفت تپه برای بیرون کردن اسدبیگی به سرکوب شان منجر شد؛ و حالا که نمایندگان و رهبران کارگری یا در زندان اند و یا در اسارت خانگی قرار دارند، اسدبیگی را بجرم دزدی محاکمه می کنند. امیدشان اینست که این محاکمه کارگران هفت تپه را آرام کند و به شوراها اسلامی رضایت دهند و کارگران هیکو و آذر آب هم امیدوار شوند که اوضاع تغییر خواهد کرد. اما کور خوانده اند. مردم این رژیم را بهتر از این می شناسند که چنین ترفندهایی به نجاتش کمک کند.

ضرب المثل دیگری هست که وصف حال این رژیم در شرایط کنونی است: اسب ها در سربالایی همدیگر را گاز می گیرند. و این دقیقاً وضعیت این حکومت است. مردم حمله ور شده اند و رژیم برای دفاع از موجودیتش تعدادی را قربانی می کند. وضعیت مشابهی را در روزهای آخرین رژیم سابق مشاهده کردیم. در آن زمان هم بجان یکدیگر افتادند؛ همدیگر را افشاء کردند؛ بجرم فساد مالی تعدادی از کار بدستان را به زندان انداختند. این داستان تازگی ندارد. حکومت های استبدادی در مواجهه با حملات مردم و در مقابل تلاش مردم برای به زیر کشیدنشان تعدادی از خودی های ناقابل را قربانی می کنند و کله گنده ها را فراری می دهند. تاریخ تکرار می شود.

در این شرایط که رژیم اسلامی در حال ترمیم تصویر خویش است باید ضربات محکمتری را بر سر آن فرود آورد؛ باید سازمانیافته تر و متحد تر به رژیم یورش آوریم. ما نیاز به تشکلات پایه ای خویش، شوراها داریم. با سازماندهی شورایی خویش اوضاع را بدست خود بگیریم و این رژیم دزد و جنایتکار را به زیر کشیم. تنها راه مقابله با دزدی و فساد و جنایت حکومتی، سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد، برابر و مرفه است. *

منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com

اعتراضات کارگری

در دفاع از کارگران زغال سنگ کرمان

فراخوانی در حمایت از مبارزه و خواسته‌های کارگران معدنچی کرمان برای لغو خصوصی سازی شرکت و تحقق دیگر خواسته‌های کارگران منتشر شده است. در این فراخوان از جمله آمده است؛

"کارگران معدن زغال سنگ کرمان بیش از ده روز است که برای مطالبات خود دست به اعتراض زده اند. کارگران خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل با اعمال دقیق ضرائب سختی کار، افزایش دستمزد متناسب با عنوان شغلی و سابقه کار و پرداخت دیگر مزایای شغلی هستند. اما آنچه کاسه صبر این کارگران را لبریز کرده و در این شرایط کرونایی به همراه خانواده هایشان به راهپیمایی و تجمعات اعتراضی در سطح شهرهای زرنند، کوهبنان و راور کشانده برنامه خصوصی سازی و واگذاری زغال سنگ کرمان به شرکت دالاهو است. تجربه زیسته کارگران در واحدهای بزرگ تولیدی نشان می‌دهد که خصوصی سازی، با تشدید بحران تولید، اخراج و تعدیل نیروی کار، کاهش دستمزدها و مزایای شغلی همراه بوده و امنیت شغلی کارگران را از میان می‌برد. از هپکو تا نیشکر هفت تپه، کارگران هزینه‌های زیادی برای مخالفت با خصوصی سازی پرداخته‌اند و اکنون همین هزینه‌ها را قصد دارند به کارگران معادن زغال سنگ کرمان تحمیل کنند. ما امضا کنندگان این فراخوان عام، حمایت خود را از مطالبه کارگران در لغو برنامه خصوصی سازی شرکت زغال سنگ کرمان در شهرهای زرنند، کوهبنان و راور اعلام می‌داریم و در این شرایط دشوار همه همکاران و حامیان حقوق کارگران را به همبستگی با کارگران شرکت زغال سنگ کرمان فرا می‌خوانیم".

هپکو

روز دوشنبه هفته جاری بخشهایی از کارگران هپکو در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت شرکت و تولید در این واحد صنعتی، در محوطه کارخانه اعتراض و اجتماع کردند.

اجتماع و اعتراض پرستاران

تهران: روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت بخشی از پرستاران گیلانی موسوم به "شرکتی" که به انعقاد قراردادهای ۸۹ روزه اعتراض دارند و خواهان استخدام رسمی اند، به نمایندگی از همکارانشان مقابل وزارت بهداشت و درمان در تهران اجتماع و اعتراض کردند.

اصفهان: دهها پرستار در اصفهان در اعتراض به تبعیض در نظام پرداختی مقابل دادستانی اجتماع کردند. پرستاران خواهان اجرای قانون تعرفه‌گذاری و قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، دریافت فوق‌العاده ویژه و استخدام کافی نیروی انسانی هستند.

شورای شهر: استخدام نمی‌کنیم!

نایب رئیس شورای شهر رشت آب پاکی روی دست پرستاران ریخت.

وی اعلام کرده که با کاهش شیوع کرونا در گیلان، دیگر با پرستاران قراردادی منعقد نمی‌شود. این در حالی است که کادر درمان گیلان عمدتاً با یکسال تا دو سال حقوقهای معوقه روبرو است و در ماههای کرونایی مفت و مجانی کار کرده است و خواهان پرداخت حقوقها و قراردادهای ایمن بودند. فشار کار در بیمارستانها بحدی زیاد است که هر روز با اعتراض پرستاران و پرسنل مواجه میشود و حتی کارهایی را از پرستاران میخواهند که در چهارچوب وظایف شغلی شان نیست. پرستاران باید اعتراضشان را قدرتمندتر کنند.

تلفات کادر درمان

خبرگزاری رویترز روز پنجشنبه اول خرداد از زبان معاون وزیر بهداشت جمهوری اسلامی از ابتلای حدود ده هزار نفر از کادر درمان به بیماری کرونا خیر داده است.

اعتراض کارگران شهرداری

اصفهان: کارگران خدمات شهرداری شاهین شهر اصفهان دو روز متوالی در اعتراض به کم بودن میزان حقوق دریافتی خود بدنبال تعویض پیمانکار، مقابل شهرداری شاهین شهر دست به اجتماع و اعتراض زدند. آبادان: بیش از پنجاه کارگر شهرداری اروند کنار آبادان در اعتراض به عدم پرداخت پنج ماه حقوق معوقه دست به اعتصاب زدند و طی سه روز متوالی مقابل شهرداری تجمع کردند.

کارگران کاشی گیلانا

کارگران کارخانه کاشی گیلانا منجیل در استان گیلان از سال نود و پنج بیکار شدند و محل کارشان را حراج و بفروش رساندند. در این سالها این کارگران برای سرپا نگهداشتن کارخانه، وضعیت شغلی و مشکلات متعدد ریز و درشتی که دارند بارها اعتراض کردند. روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت، در اعتراض به فروش زمین و سوله‌های خالی این شرکت اجتماع و اعتراض کردند. اعتراضات قدیمتر کارگران برای جلوگیری از اسقاط و فروش ماشین آلات کارخانه به جایی نرسید و هم اکنون به فروش زمینها و سوله‌ها اعتراض دارند. سرازیری در این شرکت وقتی شروع شد که کارفرماها با حمایت قانون همه چیز را مجدداً در اختیار گرفتند.

بازداشت‌ها و ارباب ادامه دارد

امیر چمنی را در تبریز روز سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت با تودیع قرار وثیقه تا پایان مراحل دادرسی آزاد کردند. تقریباً هر روز فعالی دانشجویی، زنان، محیط زیستی، کارگری و انسان معترضی دستگیر یا احضار میشود.

معلمان خراسان، ۲۵ سال حبس

برای فعالین انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی ۲۵ سال حبس صادر کردند. محمد رضا رمضان به ۸ سال زندان تعزیری، حسین رمضان پور به ۴ سال زندان تعزیری، سعید حق پرست و علی فروتن و حسن جوهری و مصطفی رباطی و حمید رضا رجایی هرکدام به ۳۲ ماه زندان تعزیری محکوم شدند.

یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!



مار کسسیم انقلابی، کمونیسم کارگری و منصور حکمت

(به مناسبت روز حکمت - بخش اول - گفتگو با رحمان حسین زاده)

سند قطعنامه های کنگره دوم کومه له- فروردین ۱۳۶۰

خاطرات شیرین و درس آموز زیادی از منصور حکمت دارم، به ویژه از کل دوره ای که در رهبری حزب کمونیست کارگری با هم کار میکردیم، اینجا شاید به یکی دو مورد از همان دوران اولیه آشنایی اکتفا کنم. اولین خاطره بیاد ماندنی ام از او به نواری از صحبتها و دیالوگ سیاسی او با نمایندگان رهبری کومه له که در تهران صورت گرفته بود، برمیگردد. مسئله به این صورت بود، بعد از کنگره دوم کومه له که خط مشی اتحاد مبارزان را تایید کرده بود، رهبری کومه له هیئت نمایندگی دو نفره خود را برای دیدار با رهبری اتحاد مبارزان میفرستد تا به نزدیکی سیاسی و فکری به وجود آمده جنبه عملی ببخشند. در بهار سال ۶۰ جلسه ای در تهران برگزار شده بود که یکی از رفقای رهبری اتحاد مبارزان صحبت می کرد که آن وقت نمی دانستیم منصور حکمت است، بعدا معلوم شد که او بوده است. نواری پر شده بود که رهبری کومه له برای ما جمعی از کادرهای و اعضای کومه له در ناحیه بوکان در اردیبهشت و یا خرداد ۶۰ فرستاد تا گوش کنیم. منصور حکمت در این بحث تیزبینانه مسائل اساسی ای را مطرح کرده بود. به این شکل بود که قطعنامه های کنگره دوم کومه له به دست اتحا مبارزان کمونیست میرسد. بحث آنها با نمایندگان رهبری کومه له این بود که کنگره شما کنگره چپ بوده است و به چپ چرخیده و نقطه قوت بزرگی است، اما قطعنامه های شما ایرادهایی هم دارد و با صراحت آنرا بیان کرده بود. از جمله قطعنامه ای درباره جنبش مقاومت در کردستان هست که کومه له از سر خط مشی چپی که در پیش گرفته بود، به قول معروف به نوعی دچار چپ روی غیر دخالتگر شده بود تحت این عنوان که جنبش سیاسی در کردستان تمام موجودیت آنها نیست و صحنه مرگ و زندگی آنها نیست و گوشه ای از مبارزه است و به این دلیل سیاستی را می خواست در پیش بگیرد که عدم دخالت در جنبش سیاسی کردستان بود و این را فرموله کرده بود و ما این استنتاج غیر دخالتگر و به نوعی "پاسیفیستی" را در دو سه ماهه بعد از کنگره دوم به لحاظ عملی می دیدیم. بیرون از کومه له هم این حالت را میدیدند و زیر نقد هم بودیم. منصور حکمت در آن نوار گفت این فرمولبندی و جهت گیری برای کومه حاضر در جنبش سیاسی کردستان زیانبار است و کومه له را حاشیه ای میکند و تیر به نقطه قوت آن میزند. کومه له کماکان باید در این جنبش دخالتگر باشد. باید در جنبش رفع ستم ملی در کردستان بسیار دخالتگر باشد و نقش رهبری کننده داشته باشد و در عین حال کومه له باید در مبارزه سیاسی در جامعه نقش رهبری را ایفا کند وگرنه صحنه را برای حزب دمکرات و بورژوازی کرد خالی می کند. درست یادم است وقتی این صحبتها را شنیدیم، جمع فکر کنم هشت نفره ای که داشتیم، گوش میدادیم، به همدیگر نگاه کردیم، مثل اینکه یک حلقه گمشده را دوباره بازیابیم. چون زیر فشار این نقد هم بودیم که کومه له میخواهد جنبش مقاومت کردستان را ول کند، یکهو احساس کردیم نقد درست و بسیار راه گشایی است دوباره این تکه بحث را با دقت

صفحه ۹

تلویزیون پرتو: در مناسبت روز حکمت هر سال، به معرفی افکار و سیاست و پراتیک و کاراکتر منصور حکمت این رهبر برجسته کمونیسم معاصر میپردازیم. مصاحبه کنونی با رحمان حسین زاده با همین هدف است. ضمن خوشامد به این برنامه، گفتگو را از اینجا شروع کنیم شما از چه مقطعی منصور حکمت را شناختید و اگر خاطره ای از او دارید بیان کنید؟

رحمان حسین زاده: اولین آشنایی با منصور حکمت از طریق ادبیات و آثار و نوشته های او بود که در اوایل به اسم او چاپ نمی شد. نشریه بسوی سوسیالیسم اتحاد مبارزان کمونیست و دیگر نشریات این سازمان در زمستان ۱۳۵۹ به دست ما که در سازمان کومه له بودیم می رسید. ادبیات مارکسیستی روشن و بسیار غنی بود و توجه چپ ایران چه مخالف و چه موافق را به خود جلب کرده بود و در سازمان کومه له به آن سمپاتی پیدا کردیم. آنوقت در رهبری کومه له دو دیدگاه سیاسی شکل گرفته بود. یکی دیدگاه قدیمی و سنتی و شبه مائونیستی کومه له که دیدگاه یک نامیده میشد و دیگری دیدگاه جدید و پیشرو و مارکسیستی بود که دیدگاه دونا میده می شد و عمیقا از ادبیات سازمان اتحاد مبارزان کمونیست تأثیر گرفته بود. از ادبیات آن دوره مثلا دو جناح در ضد انقلاب بورژوا امپریالیستی، سه منبع و سه جزء سوسیالیسم خلقی ایران، اسطوره بورژوازی ملی و مترقی، بحران رزمندگان و پوپولیسم در بن بست، فدائیان خلق چه می گویند؟ که در نشریه بسوی سوسیالیسم اتحاد مبارزان کمونیست منتشر میشدند. نشریه ای که بر فضای فکری و سیاسی چپ ایران و چپ در کردستان تأثیر گذاشت و پیش زمینه ای برای ایجاد حزب کمونیست ایران شد. خوشبختانه همه آثار آن دوره در منتخب آثار منصور حکمت منتشر شده که ضمیمه یک و دو هم دارد. این ادبیات بر کومه له تأثیر عمیق گذاشت و کنگره دوم کومه له که در فروردین ۱۳۶۰ برگزار شد از آن عمیقا تأثیر گرفت. در آن کنگره خط چپ و مارکسیسم انقلابی با هم انطباق پیدا کرده و بر اساس آن قطعنامه هایی در کنگره دوم کومه له تصویب شدند. کنگره دوم خط مشی مارکسیسم انقلابی را انتخاب کرد و توجه این سازمان چپ بزرگ و توده ای و مسلح را به خود جلب کرد و قوت قلبی برای مارکسیسم انقلابی و اتحاد مبارزان کمونیست و منصور حکمت شد. این تصمیم کومه له مارکسیسم انقلابی در ایران را به شدت تقویت کرد و مسیر تلاش برای ایجاد حزب کمونیست ایران را بسیار هموار کرد. اثرات ادبیات اتحاد مبارزان کمونیست در کومه له به گونه ای بود که در مقدمه سند قطعنامه های کنگره دوم از اتحاد مبارزان کمونیست قردانی شد و نوشتند: "در پایان لازم میدانیم کوششهای ارزنده ای را که از جانب رفقای اتحاد مبارزان کمونیست در راه مبارزه با پوپولیسم و اکونومیسم و تثبیت تئوریک بینش پرولتری در جنبش کمونیستی ایران بعمل آمده و ما را نیز در طرد بینش های انحرافی مساعدت کرده است، خاطر نشان کنیم". به نقل از

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

مارکسیسم انقلابی، کمونیسم کارگری

و منصور حکمت

(به مناسبت روز حکمت - بخش اول - گفتگو با رحمان حسین زاده) ...

گوش دادیم و توجه جدی ما را به خود جلب کرد و احساس کردیم راه حل هوشمندانه ای را برای دخالتگری بیشتر نشان می دهد. بعدها از دبیر اول کومه له هم شنیدیم، که در سطح رهبری کومه له هم با علاقه از این صحبت استقبال می شود. این یک خاطره خوب از منصور حکمت و تاثیرگذاری او بود. از آن زمان زمینی و واقعی بودن و پراتیکی بودن خط مشی مارکسیستی منصور حکمت جای خود را در کومه له باز کرد. جالب است بدانید که به دنبال این نقدهای صریح و روشن منصور حکمت، رهبری کومه له چند ماه بعد از کنگره دوم، فراخوان یک کنفرانس به اسم کنفرانس ششم کومه له را داد و برگزار شد که در آنجا قطعنامه های کنگره دوم را تصحیح کردند و اسناد دقیق تری تصویب کردند. خود منصور حکمت به این کنفرانس دعوت شده بود، که به دلیل محدودیتها تا از تهران رسید، فکر کنم چند روزی از کنفرانس گذشته بود و متأسفانه نتوانسته بود در کنفرانس شرکت کند. اما مدتی ماند و این اولین بار بود که در شهریور ۶۰ به کردستان آمد و رهبری کومه له را ملاقات کرد و بحث و دیالوگ مفصل صورت گرفته بود. همانوقت فرصت پیش آمد حضوری هم او را ببینم. یک خاطره دیگر از نقش سیاسی او بیاد دارم که شخصاً حضور داشتم و شاهد آن بودم که در کنگره سوم کومه له در اردیبهشت سال ۱۳۶۱ بود. در آن کنگره مهمانانی چون شیخ عزالدین حسینی، جلال طالبانی رئیس جمهور قبلی عراق و دبیر کل اتحاد میهنی کردستان حضور داشتند. از جمله طالبانی نظرش این بود که کومه له به سمت ایجاد حزب کمونیست ایران نرود و در این رابطه بحث و استدلال می کرد. با توجه به رابطه و نفوذ کلامی هم که بر رهبری کومه له داشت، میخواست فشار بگذارد که کومه له این جهت گیری را نداشته باشد. منصور حکمت هم آنجا حضور داشت و از جانب اتحاد مبارزان کمونیست در آن کنگره سخنرانی کرد و با بحثها و مهمتر راه حل و جهت گیری روشنی که بیان کرد، عملاً فشار سیاسی طالبانی را کم رنگ کرد. درست یادم است حکمت در سخنرانی به این اشاره کرد که این کنگره کومه له باید دو جهت گیری اساسی داشته باشد: یک جهت گیری سراسری در سطح ایران و دومی جهت گیری در سطح کردستان. جهت گیری اول که به تصویب برنامه حزب کمونیست ایران و بعداً ایجاد حزب کمونیست منجر شد. جهت گیری دوم تأکید بر نقش دخالتگرانه و رهبری کننده کومه له در جامعه کردستان و از جمله به دست گرفتن راه حل موثر رفع ستم ملی و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت مردم کردستان تا حد جدایی. واضح بود با این بحثها هم بخشا فشار طالبانی کم رنگ شد و هم کمکی بود که رهبری کومه له مستدل این فشارهای سیاسی را پس بزند. آنجا میدیدی منصور حکمت جوان (آنوقت فکر کنم حدود سی سال سن داشت) در قامت یک سیاستمدار هوشیار کمونیست، چگونه مشکل را میشناسد و به آن جواب پراتیکی میدهد.

تلویزیون پرتو: به مسئله روز حکمت برگردیم. در مورد سابقه روز حکمت صحبت کنید؟ آیا این روز یک روز حزبی است یا عمومی تر و جنبشی تر است؟

رحمان حسین زاده: سابقه روز حکمت به سال ۲۰۰۳ میلادی بر میگردد. متأسفانه یک سال قبلترش یعنی سال ۲۰۰۲ مرگ نابهنگام به سراغ منصور حکمت آمد و از میان ما رفت. در سالگرد مرگ حکمت، دفتر سیاسی وقت حزب کمونیست کارگری ایران مناسبت هفته حکمت را تصویب کردیم که با روز تولد منصور حکمت در چهاردهم خرداد برابر با چهارم ژوئن هر سال شروع میشود. هدف این بود که در هفته حکمت با ابتکارات مختلف افکار و سیاست و پراتیک و شخصیت و کاراکتر او را بشناسانیم. بعد از آن هر سال ما هفته حکمت را برگزار می کردیم. بعد از ده سال در حزب حکمتیست به این نتیجه رسیدیم که به منظور پراکنده نشدن انرژی و ابتکاراتها در طول یک هفته برای برگزاری مناسبت گرامی داشت حکمت، تمرکز ویژه ای بر روی روز تولد او یعنی چهاردهم خرداد هر سال داشته باشیم، در نتیجه از سال ۲۰۱۳ میلادی ما هفته حکمت را به روز حکمت تغییر دادیم. گرامی داشت منصور حکمت از ۲۰۰۳ به بعد در جنبش کمونیسم کارگری و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی وجود داشته و ما تلاش ویژه ای در معرفی و گرامی داشت حکمت داریم. ما بارها نوشتیم و گفتیم، روز حکمت مناسبت حزبی نیست، بلکه به همه انسانها و فعالین و تحرک سیاسی و حزبی و جنبشی مربوط است که در افکار و سیاستهای حکمت و حتی بخشی از آن خود را شریک میدانند و برای منصور حکمت و سیاست و پراتیک و شخصیت آن ارزش قائلند.

تلویزیون پرتو: چرا روز تولد حکمت را برای این مناسبت انتخاب کردید؟

رحمان حسین زاده: برای این مناسبت روز تولد و روز مرگ حکمت هر دو وجود داشتند که انتخاب کنیم، از نظر ما روز تولد حکمت انطباق بیشتری با هدف این گرامی داشت داشت و روز خوشایندتری است. روزی است که شخصیتی بزرگ و یک مارکسیست بزرگ به دنیا آمده است.

تلویزیون پرتو: آیا گرامی داشت روز حکمت نوعی شخصیت پرستی نیست تا به قول بعضی ها او را بزرگ جلوه دهید؟

رحمان حسین زاده: واقعیت این است که منصور حکمت شخصیت بزرگی است. لازم نیست ما بزرگ جلوه اش دهیم. او مارکسیست بزرگی بود که متأسفانه عمرش کوتاه بود تا کل نبوغ و مهارت و تاثیرات خود را در جدال طبقاتی که روزمره به حضور انسانها و رهبرانی چون او محتاج است، نشان دهد. او ۵۱ سال عمر کرد و ۲۵ سال عمر مفید سیاسی او بود که متشکل و متحزب، نبوغ و افکار و تئوری و نظریات و سیاست و پراتیک خود را به جنبش طبقه کارگر و به جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی عرضه کرد. در همین دوره ۲۵ ساله انبوهی از کار نظری، سیاسی و عملی و ابتکارات و ایجاد تحزب کمونیستی را در صحنه سیاست ایران و عراق عرضه کرد. منصور حکمت انسان بزرگی بود که نه تنها ما دستداران او بلکه دوست و دشمن به بزرگی او اذعان دارند. بد شانس نابهنگامی بود که جنبش کمونیستی و طبقه کارگر با آن روبرو شد و مارکسیستی اینچنین بزرگ از میان ما رفت. او در ۲۵ سال عمر مفید سیاسی خود تلاش زیادی برای دگرگونی و تغییر، برای سازماندهی انقلاب کارگری از جمله در صحنه سیاست ایران انجام داد که اگر تحول انقلابی و انقلاب در صحنه سیاست ایران اتفاق می افتاد و این دگرگونی زیر پرچم کمونیسم کارگری و منصور حکمت سازمان می یافت، آنگاه عظمت منصور حکمت نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا خود را نشان می داد و این قامت بزرگ، دنیا را متوجه خود می کرد.

نمیگیرند.

تلویزیون پرتو: هدف حزب حکمتیست از گرامیداشت روز حکمت چیست؟

رحمان حسین زاده: گفتم روز حکمت روز حزبی نیست. حتی ابتکار آن از حزب حکمتیست شروع نشد. در حزب کمونیست کارگری ایران آنرا تصویب کردیم و حزب حکمتیست گرامیداشت حکمت را پیگیرانه ادامه داده است. حقیقت این است که منصور حکمت فقط مربوط و متعلق به حزب حکمتیست و یک سازمان و یک حزب معین نیست. او یک رهبر و یک شخصیت بزرگ بود که تصویر عمومی تری از خود به جا گذاشته است. منصور حکمت رهبر یک جنبش و رهبر جنبش کمونیسم کارگری است. جنبش کمونیسم کارگری به عنوان جنبش اعتراضی طبقه کارگر علیه سرمایه و علیه سرمایه داری است. دامنه این تعریف بسیار وسیع تر از حزب حکمتیست و حتی احزابی است که خود را کمونیسم کارگری در ایران و عراق و کردستان عراق می دانند. به عنوان نمونه هم اکنون در فرانسه و ایتالیا و در آمریکا فعالین و نهادها و سازمانهایی هستند که منصور حکمت را از آن خود می دانند. به این دلیل منصور حکمت چهره ای عمومی تر و متعلق به جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و متعلق به جنبش اعتراضی طبقه کارگر علیه سرمایه داری است. متعلق به هر جای این دنیاست که صف مستقل طبقه کارگر برای دگرگون کردن جامعه و نابودی بورژوازی و ساقط کردن آن به میدان بیاید. به این دلیل هیچگاه ما به روز حکمت بعنوان روز حزبی نگاه نکردیم و متعلق به همه آزادیخواهان و برابری طلبان و همه کسانی است که از سرمایه داری و از این نظم بیزارند و سرنگونی سرمایه داری و انقلاب کارگری را می خواهند. در کشوری مثل ایران کسانی که سرنگونی رژیم ارتجاعی بورژوااسلامی را می خواهند، منصور حکمت با افکار و سیاستها و نظرات و ما به ازای سازمانی به جا مانده از او متعلق به آنها و جوابگویی تمام جنبش ها از جمله جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی، جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش نسل جوان و جنبش انسان معترض به همه این عقب ماندگی که بورژوازی اسلامی به مردم تحمیل کرده است و آنها به خط مشی و داده های منصور حکمت وصل می شوند. روز حکمت پدیده ای عمومی تر است و به این دلیل انتظار این است که همه آزادیخواهان و برابری طلبان به روز حکمت رجوع کنند. روز حکمت فقط مراسم و گرامیداشت نیست. هدف از برگزاری روز حکمت در وهله اول و اساساً معرفی تئوری ها، نظریات و افکار سیاست و نوشته ها و گفته ها و مکتوبات و آثار منصور حکمت است. به آدرس سایت منصور حکمت رجوع کنید و ۸۰ تا ۹۰ درصد آثار و ادبیات منصور حکمت هم نوشته ها و مکتوبات و هم فایل های تصویری و صوتی در آنجا جمع آوری شده است که نه تنها ابعاد گسترده ای دارد بلکه عمق تئوری و نظریات او، عمق سیاست و پیش بینی و ابتکارات و اقدامات او در ایران که منجر به ایجاد حزب کمونیست ایران در وهله اول و بعد ایجاد حزب کمونیست کارگری ایران و در عراق منجر به ایجاد حزب کمونیست کارگری عراق و در ادامه بر اساس خط مشی او حزب حکمتیست و احزاب دیگر به نام کمونیست کارگری در منطقه خاورمیانه وجود دارند و فعالیت می کنند.

تلویزیون پرتو: در راستای اهداف این روز به طور مشخص در داخل کشور می توان چه اقداماتی انجام داد؟

رحمان حسین زاده: در داخل کشور هم نباید رجوع به

مارکسیسم انقلابی، کمونیسم کارگری

و منصور حکمت

(به مناسبت روز حکمت - بخش اول - گفتگو با رحمان حسین زاده) ...

همانگونه که لنین در رأس انقلاب کارگری، انقلاب بلشویکی را سازمان داد و دنیا را متوجه ابتکار و نبوغ خود کرد. منصور حکمت آثار مهم و حزب قدرتمندی از خود بجا گذاشت و در عراق حزب کمونیست کارگری بوجود آمد. مسأله دیگر این بود که منصور حکمت مارکسیست برجسته ای بود که در جغرافیای ایران فعالیت می کرد و به زبان فارسی ادبیات خود را منتشر می کرد. اگر او زاده کشور بزرگ غربی مانند آلمان، انگلیس و فرانسه و یا آمریکا بود و به زبان انگلیسی که جهانشمول است می نوشت و مارکسیسم او به زبان انگلیسی منتشر می شد آنگاه قامت بزرگتر او را می دیدیم. ما دلبخواهی او را بزرگ نشان نمیدهیم. بلکه او خود شخصیت بزرگی بود. آیا درباره این موضوع کیش شخصیتی وجود دارد؟ ما از او کیش درست نکردیم و نمی کنیم، خط قرمز هم دور آن نکشیدیم، اما تلاش میکنیم این رهبر مارکسیست را آنطور که بود، بشناسانیم. برای انسانهای بزرگ از چپ و راست، روز گرامیداشت و معرفی و شناساندن هست. واقعیت این است که جنبشهای اجتماعی بزرگ و شخصیتهای بزرگ آن دوستان و مخالفان و دشمنانی هم دارند مخالفان و دشمنانش نمیخواهند از لحظات مهم آن جنبش و دستاوردهای مهم آن و از رهبران و شخصیتهایش به نیکی یاد شود، شناسانده شود، گرامی داشته شود. به ویژه این حساسیت در مورد کمونیسم و جنبش کارگری و آزادیخواهی بیشتر است، چون بورژوازی ابزار و امکانات بسیاری در اختیار دارد تا علیه جنبش کمونیستی و کارگری فضا سازی کنند. بخواهند یا نخواهند روز تولد مارکس و روز انتشار کاپیتال و روز انتشار ماتیفست مهمند و گرامی داشته می شوند. بسیاری دستانداران او هستند و برایش احترام قایلند و آثار او را بازخوانی می کنند و در عین حال دشمنان زیادی هم دارد. درباره موضوع حکمت هم همینگونه است. مخالفان و دشمنان منصور حکمت این ادعا را دارند که ما شخصیت پرستی می کنیم. اما در مورد شخصیتهای بورژواها مناسبتها به خاطر آنها را عادی میدانند. در صحنه سیاست ایران ملی گراها همه سالها روزی برای گرامیداشت مصدق دارند. مسئله ملی شدن صنعت نفت ایران را بهانه کردند، میپرسم این اتفاق چه چیزی بر ای مزدبگیران و شهروندان عادی جامعه ایران داشت؟ هیچ. مطلقاً به اتفاقی مفید برای طبقه کارگر ایران و طبقه مزدبگیر و زحمتکش ایران تبدیل نشد. ببینید اسلامها در مورد خمینی جنایتکار چکار میکنند! یا در مورد رضاخان و مجد رضا پهلوی که بیش از نیم قرن خون مردم ایران را در شیشه کردند!، میخواهم بگویم جنبش های مختلف دیگر هم انواع مناسبتها و انواع گرامیداشت برای چهره ها و شخصیتهای خود دارند که بسیاری از آنها مرتجع بوده و علیه اهداف کارگری و انسانی بوده اند. کسی به آنها نمی گوید که شما شخصیت پرستی می کنید. برای ما کمونیستها که از منصور حکمت و عظمت اهداف و تلاش او صحبت می کنیم، فوراً کارت زرد کیش شخصیت را جلو میکشند. ما از معمار و بنیانگذار کمونیسم معاصر ایران یاد میکنیم، از دستاوردهایش صحبت میکنیم و مهمتر به آن مراجعه میکنیم که همین امروز باید مبنای سیاست و پراتیک ما باشد و به نسل جوان منتقل شود که متأسفانه در موارد متعدد به آنها رجوع نمیشود و مورد اتکا قرار

مارکسیسم انقلابی، کمونیسیم کارگری

و منصور حکمت

(به مناسبت روز حکمت - بخش اول - گفتگو با رحمان حسین زاده) ...

روز حکمت را صرفاً به مراسم یادبود از منصور حکمت محدود کرد. کل آثار و ادبیاتی که منصور حکمت از خود به جا گذاشته ابزار ضروری امروز مبارزه و برای پیشبرد جدال طبقاتی است. اگر کارگر و طبقه کارگر در ایران می خواهد از مبارزه روز مره شان برای بهبود زندگی مثلاً برای افزایش دستمزد دید روشنی داشته باشد و یا اساسی تر اینکه چگونه نیرو جمع کنند و طبقه کارگر و مردم آزادیخواه، یک انقلاب کارگری را سازمان دهیم و بورژوازی را ساقط کنند به تئوریه‌ها، نظریات، سیاست، برنامه ها، نوشته ها و مکتوبات و گفته های منصور حکمت احتیاج دارند. اگر مبارزه در راه آزادی زن است جنبش آزادی زن به خط مشی و سیاست به جا مانده از حکمت نیاز دارد. نسل جوان ایران در ابعاد مختلف اگر می خواهد دید روشنی برای آینده خود، آینده شاد و عاری از ستم داشته باشد به منصور حکمت و ادبیات او احتیاج دارد. کلاً مبارزه آزادیخواهانه برای رفع نابرابری و ستم و استثمار و برای بنیاد گذاشتن جامعه آزاد و برابر به کمونیسیم حکمت در این دوران نیاز دارند. پس هر کس که به این نوع کمونیسیم احتیاج دارد صرف نظر از اینکه به چه حزبی نزدیک است، باید سعی کنند در مناسبت روز حکمت به سهم خود در محل کار و زیست و در میان کارگران، در محیط اجتماعی و در دانشگاهها و ... آثار حکمت را معرفی کند و تلاش کند اثری از منصور حکمت قابل دسترس باشد. معلوم است در داخل کشور بواسطه جمهوری اسلامی تناسب قوای نامناسب وجود دارد و جلو بسیاری از ابتکارات را گرفته است. اما دوستداران حکمت در محافل کمونیستی در میان کارگران، در دانشگاه و میان نسل جوان و در میان زنان سعی کنند انسانهای آزادیخواه را جمع کنند و اثری از منصور حکمت را معرفی کنند، نوشته ای از او را در این جمعها مطالعه کنند، گفته ای از منصور حکمت را گوش دهند و یا ویدیویی از او را نگاه کنند. کسانی اگر در این جمع شناخت بیشتری از افکار و سیاست و پراتیک حکمت دارند برای جمع سخنرانی کنند. یعنی قابل دسترس کردن آثار و ماتریالی که منصور حکمت از خود به جای گذاشته بسیار مهم است و مسأله بسیار اساسی است. آثار حکمت از اولین آثار او که خطوط عمده بوده، از سه منبع و سه جزء سوسیالیزم خلقی ایران و اسطوره بورژوازی ملی مترقی و تفاوت‌های ما و مبانی کمونیسیم کارگری تا آخرین نوشته های او بعد از ۱۱ سپتامبر و جهان بعد از ۱۱ سپتامبر، ادبیاتی غنی و افکار غنی است که می توان دوباره بدست گرفت و مطالعه و بازخوانی کرد. خطاب ما به تمام فعالین کمونیست و محافل کمونیست و کارگران مبارز این است که در روز حکمت به منصور حکمت و ادبیات او رجوع کنند و آن را قابل دسترس کنند و آن را اشاعه دهند.

تلویزیون پرتو: منصور حکمت چگونه با مارکسیسم آشنا میشود و مارکسیسمی که او به جامعه معرفی کرد و منجر به ایجاد حزب کمونیست ایران و حزب کمونیست کارگری ایران شد چه تفاوتی با مارکسیسم چپ سنتی داشت؟

رحمان حسین زاده: برای جواب این سؤال مخاطبین و انسانهای

علاقتمند بهتر است به سخنرانی منصور حکمت در انجمن مارکس در مبحث تاریخ شفاهی اتحاد مبارزان کمونیست گوش دهند و مکتوب آن هم در منتخب آثار منصور حکمت هست. آنجا حکمت می گوید تا در ایران و حتی در دانشگاه بود هنوز به معنای واقعی فعالیت سیاسی نداشته است. او در سال ۱۳۴۸ شمسی وارد دانشگاه شیراز می شود و در رشته اقتصاد درس میخواند. در این پروسه با مارکسیسم و کمونیسیم آشنا میشود، چون در درس اقتصاد به خود اقتصاد مارکسیستی هم پرداخته میشود. منصور حکمت با دید مثبت درباره استادشان همایون کاتوزیان صحبت می کند که به شکل هوشمندانه در لابلای تدریس اقتصاد، تاریخ انقلاب کمونیستی و تاریخ انقلاب بلشویکی در روسیه و تزه های مارکس در اقتصاد را توضیح می دهد و از آن دوره با مارکسیسم و کمونیسیم آشنا و به آن سمپاتی پیدا میکند. در ایران با گروههای چپ آن دوره رابطه نداشته است. او در سال ۱۳۵۲ شمسی برای ادامه تحصیل به انگلستان میرود و در دانشگاه کنت انگلیس دوره دکترای اقتصاد را ادامه می دهد و آنجا مارکسیسم را عمیقاً درک می کند و آنجا با گروههای چپ و مارکسیست از جمله تروتسکیست ها و حزب کمونیست قدیم انگلستان آشنا میشود و به نظرم شانس که داشت با شاخه های سنتی و پوپولیست و ناسیونالیست چپ ایران و روایت های دست دوم از مارکسیسم آشنا نمیشود. به قول خودش مستقیماً با مانیفست و کاپیتال و ایدئولوژی آلمانی آشنا می شود و این کمک می کند که درک و دانش او از مارکسیسم از کتاب کاپیتال و مانیفست و ایدئولوژی آلمانی شروع شود نه مانند چپ های دیگر ایران که شناخت آنها از مائو و انواع روایت های دست دوم و سوم از مارکسیسم و مارکسیسم خلقی و پوپولیسم بود. این دوره ای است که به طرف تحولات مهم سیاسی ایران در سال ۱۳۵۷ نزدیک میشویم و بعدها به همراه خسرو داور و حمید تقوایی اتحاد مبارزان کمونیست را پایه گذاری میکنند. مارکسیسمی که منصور حکمت نمایندگی می کرد همان مارکسیسمی بود که از کاپیتال و مانیفست مایه گرفته بود و در آنجا از پوپولیسم و ناسیونالیسم و خلقی گری و شرق زدگی و حتی اسلام زدگی موجود در چپ آنوقت ایران هیچ اثری نبود. ما از همان دوره با اتحاد مبارزان کمونیست آشنا شدیم و مارکسیسم انقلابی را معرفی کردند و تفاوت این چپ مارکسیستی با چپ پروروسی و پروچینی و چپ آلبانیایی و با چپ نوع چریک فدایی و پیکار و رزمندگان و ... که آنوقت سازمانهای معتبر چپ رادیکال ایران بودند، تفاوت جدی داشت. واضح بود که خمیر مایه چپ آن دوره ایران بخشا به تاثیر از قطب های چپ جهانی پوپولیسم و ناسیونالیسم، اساساً اعتراض روشنفکران ناراضی علیه "سرمایه داری وابسته" و در راستای صنعتی کردن کشور بود. مسأله اصلی که استثمار بر اساس کار مزدی و تقابل بین اردوی کار و اردوی سرمایه در آن چپ و در آن مارکسیسم غایب بود. مارکسیسم انقلابی اتحاد مبارزان کمونیست با پرچمداری منصور حکمت خط مشی کمونیستی علیه کار مزدی و سرمایه را آورد. ارتدوکسی مارکسیسم را احیا کرد. هیچ رگه ای از ناسیونالیسم، پوپولیسم، شرقی گری و عقب ماندگی در چنین مارکسیسم و کمونیسمی وجود نداشت.

تلویزیون پرتو: اولین حاصل مهم تلاش مارکسیسم انقلابی که منصور حکمت نمایندگی میکرد، تشکیل حزب کمونیست ایران بود. نقش منصور حکمت در پروسه ایجاد حزب کمونیست ایران چه بود؟

رحمان حسین زاده: منصور حکمت نقش بسیار مهمی داشت و هر کسی به آثار و ادبیات آن موقع مراجعه کند آن را می بیند. اگر کسی تاریخ را وارونه نکند و منصف باشد، تایید میکند که او نقش معمار و بنیانگذار و سازنده اصلی حزب کمونیست ایران را داشت. به جرأت

حزب کمونیست ایران کدامها است و چگونه قابل دسترس هستند؟

مارکسیسم انقلابی، کمونیسم کارگری

و منصور حکمت

(به مناسبت روز حکمت - بخش اول - گفتگو با رحمان حسین زاده) ...

ادعا می‌کنم اگر منصور حکمت نبود، مارکسیسم انقلابی به شکلی که در ایران دیدیم پا نمی‌گرفت. اگر منصور حکمت نبود، حزب کمونیست ایران به عنوان بستر اصلی چپ کمونیستی و رادیکال در آن دوره در جامعه ایران شکل نمی‌گرفت. به نظر من سپس کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری ایران هم شکل نمی‌گرفت. حتماً چپ ایران تغییر میکرد و ترندها و روندهایی پیش می‌آمدند، اما به نظر من نقش منصور حکمت در ایجاد یک تحول مارکسیستی در چپ ایران و پایه گذاری مارکسیسم انقلابی و حزب کمونیست ایران شبیه نقش لنین در مارکسیسم در روسیه اوایل قرن بیستم و شبیه نقش او در حزب بلشویک بود. تفاوت این بود که متاسفانه حکمت و حزب او در بطن تحول انقلابی، مشابه تحولی که لنین و حزب بلشویک در روسیه با آن روبرو شدند، قرار نگرفت تا رهبری انقلاب کارگری را به عهده بگیرد و جایگاه تعیین کننده خود در جنبش کمونیستی را نشان دهد. نقش مهم او هم در سطح فکر و سیاست و هم در سطح پراتیک و سازماندهی عملی بود. بخش عمده کتاب منتخب آثار، ادبیات سیاسی و نظری و حتی پراتیکی است که لازمه بنیادگذاری مارکسیسم انقلابی بود به قلم منصور حکمت است. یک حلقه اصلی در ایجاد حزب کمونیست ایران تدوین برنامه کمونیستی بود. چپ‌های رادیکال آن دوره برنامه نداشتند. برنامه اتحاد مبارزان کمونیست را منصور حکمت نوشته بود که بعدها با اندکی اصلاحاتی برنامه حزب کمونیست شد و در کنگره سوم کومه له تصویب شد. علاوه بر برنامه، مباحث متعدد تئوریک و سیاسی فراهم کننده شرایط ایجاد حزب و به علاوه مباحث پراتیک کمونیستی و نقد پراتیک پوپولیستی که مانع ایجاد حزب کمونیست می‌شد در کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست اساساً توسط منصور حکمت فرموله و تدوین و به طرح و نقشه تبدیل شد. این پروسه از کنگره دوم کومه له که چرخش آن به طرف اتحاد مبارزان کمونیست و مارکسیسم انقلابی شروع شد تا کنگره سوم کومه له که برنامه حزب کمونیست تصویب میشود، و بعداً تا شهریور ۱۳۶۲ که حزب کمونیست ایران ایجاد میشود، پروسه دو ساله‌ای است که با کار فکری و سیاسی و نظری و آمادگی عملی و پراتیکی گسترده روبرو است که محور این تحرک در این پروسه منصور حکمت و نقش رهبری کننده او است. بر خلاف برخی تاریخ نگاری‌های دلخواهی مثل تاریخ نگاری اخیر ابراهیم علیزاده دبیر اول کومه له که به ناحق زمینه ایجاد حزب کمونیست ایران را به چپ سنتی ایران و کنفرانس وحدت سازمانهای پوپولیست و ادبیات مرتضی راوندی ربط میدهد، زمینه واقعی ایجاد حزب کمونیست ایران در دل انقلاب ۵۷ و زمینه های اجتماعی که به وجود آمد و بر اساس نیاز سوسیالیسم کارگری که در جنبش کارگری خود را نشان داد، و پا به صحنه گذاشتن مارکسیسم انقلابی و اتحاد مبارزان کمونیست و در رأس آن منصور حکمت و گردش به چپ و انتخاب مارکسیسم انقلابی توسط سازمان بزرگ و معتبری مثل کومه له در آن مقطع بود.

تلویزیون پرتو: مهمترین ادبیات منصور حکمت در آن دوره و تا ایجاد

رحمان حسین زاده: از میان انبوه ادبیات غنی مارکسیستی آن دوره من فقط می‌توانم به تیتراژ آنها اشاره کنم که شامل آثار زیر است: اسطوره بورژوازی ملی مترقی که دو بخش است، دو جناح در ضد انقلاب بورژوا امپریالیستی، نظری به تئوری مارکسیستی بحران اقتصادی، کمونیست‌ها و جنبش مسأله ارضی، تهاجم رژیم عراق و وظایف ما، سه منبع و سه جزء سوسیالیسم خلقی ایران، رزمندگان و راه کارگر (جدال بر سر تحقق سوسیالیسم خلقی)، برنامه اتحاد مبارزان کمونیست، پوپولیسم در برنامه حداقل و نقد فدائیان خلق، گامهای عملی در ایجاد حزب کمونیست ایران، مباحثات کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست، نقطه قوت جنبش ما، کمونیست‌ها و پراتیک پوپولیستی، حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان، اصول و شیوه های رهبری کمونیستی، آناتومی لیبرالیسم چپ ایران، سند استراتژیک، آزادی و برابری حکومت کارگری. این مجموعه ای است که باعث شد سیستم فکری و سیاسی و ساختاری ایجاد حزب کمونیست ایران را بوجود آورد و همه آنها در منتخب آثار چاپ شده است. آسانترین راه برای مخاطبین علاقمند جهت دسترسی به آثار منصور حکمت مراجعه به سایت منصور حکمت است و بخش عظیم این ادبیات از آن دوره تا دوره های بعد در این سایت موجود است. بسیار از این ادبیات در کتابها و مجله‌های مختلف به چاپ رسیده و در خارج کشور و نزد تشکیلاتهای حزب حکمتیست در دسترسند. امیدوارم شرایطی به وجود بیاید و وسیعاً در داخل کشور هم منتشر شوند.

تلویزیون پرتو: شما اثرات سیاسی و اجتماعی ایجاد حزب کمونیست ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ با توجه به این مسئله که مخالفین حکمت مشخصاً ناسیونالیستهای کرد این پروسه را منفی ارزیابی میکنند؟

رحمان حسین زاده: طبیعی است که مخالفین کمونیسم و مخالفین خط مشی منصور حکمت بویژه ناسیونالیستهای کرد، این پروسه را منفی ارزیابی کنند، چون عروج کمونیسم و حزب کمونیستی در جامعه کردستان به ضرر جنبش ناسیونالیستی کرد بود، همانطور که در سطح سراسر ایران هم به ضرر ناسیونالیستها و جنبش های بورژوازی بود. ایجاد حزب کمونیست ایران را باید در بطن شرایط تاریخی آن زمان بررسی کرد. در آن زمان در سرکوبهای ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ جمهوری اسلامی همه اپوزیسیون را از مجاهدین خلق و چپ‌ها و بخشهای دیگری از اپوزیسیون را مورد حمله قرار داد با قتل عام سرکوب کرد. تناسب قوای به شدت نابرابری را علیه کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی در آن جامعه ایجاد کرد. در آن دوره پروسه ایجاد حزب کمونیست شروع شد و در سال ۶۲ به نتیجه رسید. ایجاد حزب کمونیست ایران به یک سنگر بزرگ گروهها و جمع آوری نیروهای چپ رادیکال در آن دوره تبدیل شد. تقریباً در همه سازمانهای چپ، فراکسیونهای مارکسیسم انقلابی سمپات اتحاد مبارزان کمونیست شکل گرفته بودند که بخشی از آنها در پروسه تشکیل حزب کمونیست ایران شرکت کردند. چپ زیر ضرب رفته اما به واسطه ایجاد حزب کمونیست ایران هم به لحاظ فکری و سیاسی و هم به لحاظ سازمانی خود را احیا کرد و قوت قلب بزرگی را در چپ و کمونیسم آن دوره ایجاد کرد. اثر امید بخش ایجاد حزب کمونیست فوری در زندانهای جمهوری اسلامی بازتاب داشت. اگر از فعالین چپ زندانی در آن دوره بپرسید، وقتی خبر ایجاد حزب کمونیست ایران در سلولهای زندان جمهوری اسلامی منتشر شد و قوت قلبی گرفتند و روند مقاومت را تقویت میکند. بعلاوه در سطح سراسری ایران یک حزب کمونیستی معتبر

تامین حق سلامتی وظیفه دولت است!

بهداشت جسمی و روانی، طب رایگان و برخورداری از تست مرتب پزشکی یک امتیاز طبقات دارا نیست، جزو حقوق پایه شهروندان است. دسترسی به اطلاعات معتبر و علمی در باره سلامت حق شهروندان است. دادن اطلاعات مرتب به جامعه توسط کادر پزشکی یک تعهد شغلی و یک وظیفه انسانی و علمی است. هر نوع امنیتی کردن این مسئله توسط دولت یعنی ممانعت از حق دانستن و اطلاع از خطر جانی، یعنی ارتکاب عامدانه دولتی برای تهدید سلامت شهروندان. کور کردن ارائه اطلاعات علمی و مال اندوزی از طریق احتکار نیازهای اولیه بهداشتی مردم یک عمل جنایتکارانه است. دولت در قبال سلامت و بهداشت مردم مسئول است. وظیفه فوری دولت است که در وضعیت ویژه و بحرانی کنونی، بیدرنگ هرگونه خدمات پزشکی و دارویی را تماماً رایگان کند. سلامت و جان مردم نباید تجاری شود، جان قابل معامله نیست!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

مارکسیسم انقلابی، کمونیسم کارگری

و منصور حکمت

(به مناسبت روز حکمت - بخش اول - گفتگو با رحمان حسین زاده) ...

ایجاد شد که قدرت اجتماعی و قدرت عملی داشت و توجه بخش مهمی از فعالین کارگری و جنبش کارگری را در آن دوره ها به خود جلب کرد. به ویژه در کردستان سازمان کردستان آن هم قدرت اجتماعی و هم قدرت توده ای و مسلح داشت و علاوه بر اینکه در برابر جمهوری اسلامی مقاومت می کرد و یک جنبش مقاومت را سازمان می داد همزمان هم در برابر تعدی بورژوازی کرد و حزب دمکرات کردستان علیه کارگر و مردم و صف آزادیخواه آن جامعه ایستادگی می کرد. در جامعه کردستان که ناسیونالیسم کرد ایجاد حزب کمونیست را ضربه ای به خود میداند، ایجاد حزب کمونیست ایران و آن خط مشی قدم به قدم به حزب کمونیست ایران و هم به سازمان کردستان آن نیرو اضافه میکند. هم بخش مسلح آن تقویت و بزرگتر شد و هم بخش داخل شهری و تشکیلات و سازمان محل کار و زندگی گسترش بیشتری پیدا کرد. در درون جنبش کارگری کردستان سالهای ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ در سنج سرخ ماه مه چند هزار نفره داشتیم که قطعنامه های رادیکال سوسیالیستی تصویب کردند و الگوی جنبش کارگری در سراسر ایران شد و اینها متأثر از خط مشی حزب کمونیست ایران و منصور حکمت بود. بورژوازی کرد و حزب دمکرات کردستان فکر می کرد، کومه له با چرخیدن به طرف کمونیسم در جامعه کردستان که به نظر آنها "جامعه عقب مانده بود"، منزوی می شود و بعد دیدند که کومه له به عنوان سازمان کمونیستی اعتبار و نفوذش بیشتر شد و سازمان قویتر و سازمان مسلح آن قدرتمندتر است و به این دلیل و در مقابل گسترش قدرت و نفوذ کومه له بنای جنگ با کومه له را گذاشت و جنگ را به حزب کمونیست و به کومه له تحمیل کرد تا جلو پیشروی کمونیسم را بگیرد. بعد از دو تا سه سال نهایتاً حزب دمکرات به عقب نشینی وادار شد، در اعمال جنگ طلبی شکست خورد و ناکام ماند و به اهداف خود نرسید و به این ترتیب یک قطب کمونیستی برای اولین بار هم علیه بورژوازی سراسری و هم علیه بورژوازی محلی موقعیت خود را محکم کرد. من فکر می کنم ایجاد حزب کمونیست هم در بعد سیاسی و هم در بعد داخل کشور و هم در بعد اجتماعی بازتاب گسترده ای داشت و سنگری مهم برای چپ ایران ایجاد کرد و پیشرویهایی بعدی مانند پیدایش کمونیسم کارگری و ... ادامه پیدا کرد.

ادامه دارد ...

* با تشکر فراوان از رفقا لایلا و شیدا ارغوانی که این مصاحبه تلویزیون پرتو به مناسبت روز حکمت را مکتوب کردند. این گفتگو ها را از جانب تلویزیون پرتو رفیق سیوان کریمی انجام داده است. متن کتبی در بازخوانی و ادیت تکمیل شده است.



۳ ژوئن ۲۰۲۰ - ۱۴ خرداد ۱۳۹۹

گرامیداشت منصور حکمت

رهبر جنبش کمونیسم کارگری

۱۹۵۱-۲۰۰۲



«دنیا بدون

فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم و

بدون «خطر» سوسیالیسم،

به چه منجانبی بدل می‌شود ۶۶

کار را متوقف می کنیم!

آینده از آن ماست، دستجمعی خودکشی نمی کنیم!

کار را تعطیل کنیم. خانه بمانیم و سر کار نرویم. ما کارگران و کارکنان اسیر فقر و فلاکت ایم، اما دستجمعی خودکشی نمی کنیم. وضعیت ویژه نیازمند اقدامات ویژه است. در اوضاع کنونی، سازمان کار جامعه باید حداقلی، اورژانسی و پاسخ به نیازهای ضروری باشد. ما کارگران مراکز تولیدی و کارکنان مراکز اداری و خدماتی، بدون تست مرتب و بدون برخورداری از نیازهای پزشکی حاضر نیستیم در محلهای کار حضور پیدا کنیم. دولت و کارفرمایان متعهد و موظف به تامین نیازهای ضروری، پرداخت حقوق ها، تامین سلامت و بهداشت محیطهای کار هستند. کار را متوقف می کنیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نباید گذاشت کسی گرسنه بماند!

تامین معیشت و حقوق پایه مردم وظیفه مستقیم دولت است. در دوره بحرانی کنونی این وظیفه بی اما و اگر است. باید رژیم را موظف به تامین معیشت مردم کرد. نهادهای همیاری، که اینروزها نماد نوع دوستی و همبستگی انسانی اند، نباید بگذارند کسی بدون غذا و نیازهای اولیه بماند. در هر کوی و برزن بداد همسایه و سالمندان و محرومان برسیم. نیازهای غذائی و بهداشتی را به طرق مختلف تامین و توزیع کنیم. مبتکرانه راه های کمک رسانی را پیدا کنیم و به همدیگر اطلاع دهیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

علیه مذهب و خرافات!

شیوع کرونا برای هزارمین بار نشان داد که خرافات مذهبی، امامان و بیوت دایناسورهای اسلامی، همه حجره های تجارت و تخدیر و جنایت هستند. آیت الله ها و آخوندها به بیمارستانهای مجلل و محیطهای خوش آب و هوا میروند اما مردم را به زیارت و خواندن دعا دعوت میکنند! ویروس کرونا در کنار وحشتی که آفرید در عین حال مذهب را در زمین خودش شکست داد. معلوم شد این همه بارگاه مذهبی و افسانه سرائی پیرامون آن پیشیزی ارزش ندارد و فقط دستگاه شیادی و کلاهبرداری است. به مساجد، زیارتگاه ها و نماز جمعه نروید! به سخنان جنایتکاران صنعت دین واقعی نگذارید! علیه خرافات مذهبی و توصیه های غیر علمی و غیر کارشناسانه بایستید! آخوندها و تجار دین را از محیط زندگی تان بیرون کنید! دستگاه دین و خرافات اسلامی بیشتر از کرونا برای سلامت و بهداشت جسمی و روانی شهروندان خطرناک است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

دولت را موظف کنیم!

- بیدرنگ شهرها و مناطق بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای درمانی، بهداشتی، معیشتی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفٹی با کاهش ساعات کار تضمین شود!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- کودکان کار و خیابان، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- لغو پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران!
- لغو پرداخت بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

زنده باد سوسیالیسم!